هفته نامۀ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم



آزادی در تعلیمات و فرهنگ دینی ما درحالی‌که یک حق است؛ امّا دفاع از آزادی وجیبه است.

از سخنان رهبر شهید

دور ششم –سال چهاردهم – شمارۀ بیست و یکم ۳۱ اسد ۱۳۹۴ ۷ ذوالقعده ۱۴۳۶ 22 August 2015

از نودوششمین سال روز استقلال افغانستان تجلیل شد

ص۳





انتقال حجاج افغانی به عربستان سعودی آغاز شد

روز پنجشنبه ۲۹ اسد نخستین پرواز حجاج افغانی با حضورداشت هیئت عملیاتی انتقال حجاج و مسؤولان وزارت ارشاد، حج و اوقاف، از میدان هوایی بین المللی کابل، عازم جدۀ عربستان سعودی گردیدند. به گفتۀ وزارت ارشاد، حج و اوقاف در سال جاری مجموعاً ۲۴۲۵۰ تن حجاج افغانی از زون های کابل، هرات، قندهار و مزار شریف، طی چهار هفته در یک پروسه شفاف، جهت ادای فریضۀ حج عازم بیت الله شریف خواهند شد.

دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری گفته است، بر اساس هدایت رئیس جمهور، کمیسیون انتقال حجاج و مسؤولان وزارت ارشاد، حج و اوقاف موظف گردیده اند، تا تدابیری اتخاذ گردد که همه حجاج افغانی با مصؤنیت و روحیۀ آرام انتقال داده شوند و با آرامش کامل به اجرای فریضۀ مقدس حج بپردازند.

بر اساس گزارش هیئت عملیاتی انتقال حجاج، در سال جاری تسهیلات بیشتری مانند پائین آمدن چشم گیر قیمت تکت ها، فراهم آوری امکانات بهتر در مقایسه به سال های قبل و تنظیم امور معیشتی حجاج، در عربستان سعودی فراهم گردیده است.

بجز دوسال گذشته، در سال های قبلی برخی حجاج کشورمان شکایات و اعتراض هایی بالای نحوۀ برخورد و ضعف مدیریت مسوولان وزارت ارشاد، حج و اوقاف داشته و آن اداره را در فساد اداری و کم کاری نیز متهم کرده بودند. در سال جاری و با وزیر جدید، دیده شود چی می شود؟!

تحریم محصولات پاکستانی امکانات و چالش ها

■ **ابوبکر سبزوار**

بدنبال حملات اخیر به شهر کابل که به کشته و مجروح شدن عدۀ کثیری از هموطنان مان منجر گردید، خبر از تحریم خرید محصولات پاکستانی در افغانستان می رسد و در عین حال کسانی در شبکه های اجتماعی ضمن تبلیغ در این مورد، تصاویری از آتش زدن بانکنوت های پاکستانی را نیز به نمایش می گذارند. سوال اینست که آیا این مشکل با تبارز احساسات ممکن است و یا اینکه برخورد با آن، نیازمند یک برنامۀ اقتصادی در دراز مدت است؟

افغانستان بصورت عنعنوی وابسته به راه ترانزیتی پاکستان است بحدی که حتی در قرارداد راولپندی میان نماینده گان دولت امانی و ویسرای هند که استقلال افغانستان را تامین نمود، تعزیراتی علیه افغانستان از جانب انگلیس در نظر گرفته شده بود که از جانب دولت افغانستان نیز نظر به مجبوریت پذیرفته شد.

از سال ۱۹۴۷ که نیم قارۀ هند به دو کشور هند و پاکستان تقسیم گردید، مشکلات افغانستان بیشتر شد. هرچند در قرارداد ترانزیتی که در همان آغاز میان دو کشور عقد گردید آمده است که حتی در صورت بمیان آمدن جنگ میان دو کشور نیز راه ترانزیتی افغانستان از طریق پاکستان بسته نمی شود اما در عمل هر زمانی که پاکستان بخواهد، می تواند با اعمال محدودیت ها، تاجران افغان را به ضرر های بزرگ مالی مواجه سازد.

البته در گذشته افغانستان یک امکان دیگر نیز داشت و آن نیز راه ترانزیتی از طریق شوروی بود که با از میان رفتن اتحاد شوروی، این امکان نیز از بین رفت.

در زمان طالبان، پاکستان لیستی از اموالی را که افغانستان می توانست از طریق بندر کراچی وارد نماید به وزارت تجارت طالبان سپرد. این لیست شامل اجناس الکترونیک، یخچال و سایر وسایل برقی و تولیدات نساجی گران بها می شد. استدلال پاکستان این بود که در افغانستان برق وجود ندارد بنا براین به وسایلی چون یخچال نیاز نیست و نیز به دلیل ممنوع بودن وسایل الکترونیک چون تلویزیون و وی سی آر از طرف طالبان، این اجناس نیز باید به افغانستان وارد نشود. از جانب دیگر چون مردم افغانستان با فقر دست به گریبان اند، تکه های گران قیمت نیز در افغانستان بفروش نمی رسد.



دلیل این محدودیت ها از جانب پاکستان این بود که این اجناس بعد از وارد شدن به افغانستان، مجدداً به شکل قاچاق وارد پاکستان می شود و صنایع پاکستان را متضرر می سازد. طالبان نیز مجبور شدند تا این اجناس را از طریق بندر عباس وارد سازند که تلاش های پاکستان برای جلوگیری از آن بی ثمر باقی ماند. ص۶

حقایقی در مورد جنرال حمیدگل

ص۵



خجسته باد آزادی!

ص۷

دوبار استقلال در یک قرن

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کابل، کلوله پشته، سرک ۴، پهلوی شفاخانهٔ بلاسم
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

پاسدار افتخارات کشورما باشیم!

۲۸ اسد، یاد آور قهرمانی ها، ایثار و از خودگذری، استقلال خواهی و آزاد زیستن و رهایی از بند را به نسل های امروز و فردای کشورمان یاد دهانی می کند. این تاریخ است که نسل های بعدی را از رویدادهای به وقوع پیوستهٔ قبلی آگاه می سازد که چگونه مردمان تهی دست، اما با ایمان و وطن دوست، از دین، نوامیس ملی و تمامیت ارضی شان متحدانه و یک دست، در برابر استعمار زمان – انگلیس- ایستادند و سرانجام پیروزی نصیب شان گردید.

ملت سرافراز ما در تمام ادوار تاریخ در برابر زورگویان و متجاوزین سرتسلیم خم نه نموده، بلکه مردانه وار حتی با نثار خون شان، شاهد پیروزی را در آغوش کشیده اند. شکست انگلیس و اتحاد شوروی سابق و تروریزم جهانی، شاهد این مدعا و تاریخ زندهٔ کشور و مردم ماست که با خط درشت ثبت گردیده است.

اما دولت در ۱۳ سال اخیر روی هر ملحوظی، تجلیل از روزهای تاریخی و ملی را دست کم گرفت. در حالیکه روزهای تاریخی و ملی کشور در حقیقت هویت کشور و مردم ماست که مجاهدان این کشور فراز و فرود های زیادی را بخاطر دین و وطن پشت سر گذاشته اند و بمنظور کسب این هویت صدمه های کلانی را متقبل شده اند.

در حالی که پیروزی مردم افغانستان را مبارکباد می گوییم و هرگونه تجاوز و مداخله در حریم کشورمان را به شدت نکوهش و تقبیح می نماییم، خاطرهٔ همه شهداء را گرامی می داریم. آنچه بعد از هر پیروزی مهم و اساسی پنداشته می شود و رهروان این راه را تشویق و امیدوار به حال و آینده می سازد، تعقیب ادامهٔ راه شهداء و رسیدگی به جانبازان و ورثهٔ شهداء است که با تأسف در کشورما به این امر مهم هم توجهٔ نشده است.

گرچه در سال جاری متفاوت تر از پیش، از سالروز استرداد استقلال کشور در مرکز و برخی ولایات بزرگداشت شد. این مردم بودند که با شور و شعف و با حمل بیرق ملی، احساسات شان را در جاده ها به نمایش گذاشتند. اما هرگونه گریز به هر بهانه از بزرگداشت نشدن مجلل روزهای تاریخی و ملی و کم رنگ جلوه دادن این افتخارات، قابل قبول نیست. تجلیل از روزهای تاریخی، آشنا سازی نسل های بعدی از کارنامه ها و شخصیت های تأثیرگذار دوره های گذشته، وظیفهٔ دولت است تا آن را برجسته ساخته و از سویی هم شامل نصاب درسی نماید، تا ماندگار بماند. این یاد آوری هاست که نسل های بعدی را از رویدادهای گذشته مطلع می سازد. بناءً حذف حوادث چند دههٔ اخیر از مفردات درسی وزارت معارف، حذف افتخارات و حماسه آفرینی های ملت بزرگ افغانستان است.

ملتی که در برابر نابرابری ها و تجاوز بیگانه جان نثارانه قیام کردند، با ایثارگری و فداکاری شان، بزرگترین قدرت زمان (اتحاد شوروی سابق) به شکست مواجه شد که جهانیان انگشت حیرت به دهان گذاشت. بار دیگر، این ملت در برابر تروریسم جهانی، القاعده و طالبان از خود مقاومت نشان داد که منجر به شکست آنها نیز شد. در مقدمهٔ قانون اساسی جدید کشور نیز از این همه مبارزات و افتخارات با قدردانی یاد شده است، پس چطور می شود این همه افتخارات را به خاطر مصلحت ها، و اینکه کدام اشخاص و گروه و کشوری، با ابراز واقعیت ها، خم به ابرو می آورند، نادیده گرفت؟!

رهبری وزارت معارف که در پیام سالروز استرداد استقلال کشور، در تربیت نسل جدید به روحیهٔ حب الوطنی و آزادی خواهی تأکید داشته است، مجدانه می طلبیم تا دو دورهٔ پرافتخار (جهاد و مقاومت) را درج نصاب تعلیمی سازند. نشود که با گذشت طولانی زمان و در نبود شاهدان عینی، مغرضین و دشمنان مردم مسلمان افغانستان، به جهاد و مقاومت مردم مسلمان ما رنگ و بوی دیگری دهند.

کار سیاسی و عزم پایدار

● فقیری

به برکت جهاد، مقاومت و پایمردی مردم افغانستان، فضای آزاد سیاسی و اجازه به فعالیت احزاب سیاسی در قانون اساسی کشور ما داده شده است. امروز جمهوری اسلامی افغانستان برمبنای قانون اساسی و قانون احزاب سیاسی، فعالیت آزادانهٔ مردم را در همه بخش ها و در امور سیاسی، حزبی، روزنامه ها و جراید و به صورت کل رسانه ها، فراهم آورده است. گرچه دولت قبلی در زمینهٔ رشد فعالیت احزاب سیاسی محدویت هایی را در عمل وضع کرده بود و در قول و عمل مخالفت خویش را با حکم صریح قانون اساسی اعلام می داشت ولی به همه حال فعالیت احزاب سیاسی و با همه محدویت هایی که رواج داشت، قانوناً امر مجاز بود.

در دولت کنونی، کاندیدا های ریاست جمهوری و به ویژه رئیس اجرایی، از سوی حزب جمعیت اسلامی افغانستان معرفی گردید و طبق توافق جمعیت با حزب اسلامی به رهبری عبدالهادی ارغندیوال، کاندیدا از سوی جمعیت و معاون او از سوی حزب اسلامی معرفی شد و طبق یک توافق تاریخی این فیصلهٔ تاریخی صورت گرفت و از رسانه ها پخش شد.

در اوراق رسمی کمیسیون انتخابات، نام جمعیت اسلامی افغانستان به حیث حزب سیاسی معرفی کنندهٔ کاندیدا ثبت گردید. این تحول بزرگ به همت رهبری جمعیت اسلامی صورت پذیرفت و همه اعضای شورای رهبری جمعیت اسلامی در این فیصلهٔ تاریخی شریک و سهیم بودند...

همراهی همه جمعیتی ها در سراسر کشور از این فیصله، باور جمعیتی ها را به کار سیاسی و تقویت حزب شان در چهارچوب قانون، افزایش داد و همه با شور و شوق زیاد در فعالیت های انتخاباتی و پس از آن سهم گرفتند.

نگاهی به گذشته های دور:

در افغانستان عزیز در دههٔ اول دموکراسی با آنکه احزاب سیاسی قانوناً رسمی نبود مگر قانون اساسی سال ۱۳۳۸ به احزاب سیاسی اجازه فعالیت را می داد! این قانون را پادشاه وقت توشیح نکرد و از نفاذ بازماند. اما آزادی ها تا حدود زیادی در کشور رواج داشت و احزاب به نام »جریان «ها فعالیت داشتند.

جمعیت اسلامی افغانستان باو جود ریشه های قدیمی در سال های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ به میدان علنی مبارزه وارد گردید و به نام » جوانان مسلمان «شهرت داشت...

تا اینکه پس از جلسهٔ رهبران جمعیت در اوایل سال ۱۳۵۳ شهید استاد برهان الدین ربانی که استاد در فاکولتهٔ شرعیات دانشگاه کابل بود، به حیث رهبر، محترم استاد سیاف (استاد شرعیات) به حیث معاون و شهید انجنیر حبیب الرحمن به حیث منشی جمعیت، انتخاب گردیدند. فورمه های بیعت به اکثر ولایات کشور فرستاده شد و در اکثر ولایات، افراد زیادی با حزب جمعیت اسلامی بیعت کردند.

ترجمهٔ تفسیر فی ظلال القرآن به فارسی دری توسط استاد ربانی تحت عنوان »در سایه های قرآن «توزیع شد و داکتر سید مخدوم رهین وزیر سابق اطلاعات و فرهنگ، چاپ مجدد این اثر نفیس را از شاهکار های خویش در وزارت (در ولسی جرگه) اعلام داشت...

ما در ماه سنبلهٔ سال ۱۳۵۲ در منزل شهید داکتر عبدالشکور موحد دانشجوی دانشکدهٔ طب ننگرهار واقع در شهر مهترلام و با حضور شهید مولوی حبیب الرحمان استاد فاکولتهٔ شرعیات که این فورمه ها را از کابل با خود آورده بود، فورمه های بیعت را امضاء کردیم ولی شرایط آن روز بسیار سخت و دشوار بود و نظام ظالمانه و دیکتاتوری داوود خان حاکم بود....

با تأسف که کارهای حزبی جمعیت اسلامی و تشکیل هسته ها، حلقه ها و حوزه ها که از سال های دورهٔ اخیر سلطنت آغاز یافته بود، با شکل جدی و تعقیب پولیس ادامه یافت و کار حزبی با دیکتاتوری دولت، به کُندی به پیش می رفت...

دیکتاتوری جدید، همه دست آوردهای دموکراسی ده سالهٔ ظاهر شاهی را به باد داد و صرف گروه های خلق و پرچم، اجتماع دایر می کردند و شعار می دادند آنهم در دفاع از رژیم خود کامهٔ داوود به نام جمهوریت!

کمونیست ها در همه جای ظاهراً از آزادی و دموکراسی دفاع می کردند و خود را حامی و طرفدار دموکراسی وانمود می کردند ولی در عمل ضد آزادی و ضد دموکراسی و ضد انسان بودند و بر ضد حقوق بشر در عمل مبارزه می کردند. زمان و دوران حکومات ظالمانهٔ دیکتاتوری یک حزبی کمونیست ها پس از هفت ثور و تجاوز نظامی و لشکر کشی روس ها در ۶ جدی برهمگان روشن است!....

امروز درکشور ما به حکم قانون اساسی و قانون احزاب سیاسی، شرایط کاملاً باز و آماده برای مبارزهٔ سیاسی است و لازم است تا کارمندان و مسؤولین احزاب سیاسی، عزم پایدار شان را در این عرصه به نمایش بگذارند!

توصیهٔ ما: من بحیث فرد سابقه دار، که زمانی ریاست دارالانشای جمعیت اسلامی را به عهده داشتم، و به حیث یک فرد متعلق به یک ولایت و یک سمت و یا به دلیل هم صنفی با برادران در دوره های مختلف تحصیل در سرتاسر کشور، چشم توقع افراد به سوی ما دوخته شده و هر انتظاری را که از مقامات جمعیت دارند، آن را با من در میان می گذارند و طالب هدایت می شوند! پاسخ من به همه این افراد و به حیث یک عضو جمعیت و عضو شورای رهبری این است که، کار تشکیلاتی ما سر و سامان می یابد و به خواسته ها و فریاد های شما پاسخ داده خواهد شد. توصیه ام این است که شما جمعیتی ها در ولایت، ولسوالی و قریه های تان منظم شوید.

نشر و پخش جلسات حزبی: هنگام ضرورت باید جلسات حزبی و حرف های شاهدان این جلسات و رهنمود های رهبری از رسانه ها پخش شود و نه تنها از یک تلویزیون یا رادیو و یا نشریه! پخش خبرهای حزبی از مرکز و ولایات، باعث فهم و آگاهی مردم از فعالیت های یک حزب می گردد و سبب تشویق دیگران و طرفداران حزب و باعث رو آوردن آنان به عضویت رسمی حزب می گردد.

گفته می شود افراد زیادی اند که از لحاظ رسمی ماموریت دولتی ندارند و به اصطلاح بیکار اند اگر این افراد به کار گماشته شوند و حقوق مناسب نیز داده شود، کارهای سیاسی رونق می یابد و حضور عملی حزب در جامعه پُر رنگ می گردد.

بخش سیاسی و فرهنگی احزاب باید در مورد نشر و پخش اخبار حزب، جداً کوشا باشد، برای این کار باید به رسانه های دولتی و خصوصی توجه کرد و رادیو و تلویزیون ملی و تلویزیون ها و رادیو های خصوصی و آژانس ها و خبرگزاری ها باید دعوت شوند تا در پخش آنچه در یک حزب می گذرد، مردم بخصوص حامیان و اعضایش در جریان بیشتر قرار گیرند.

گزینش مسؤولین مرکز و ولایات: طبق اساسنامه باید مسؤولان برگزیده شوند و نام های شان در نشرات حزبی به آگاهی مردم رسانیده شود.

هرگاه دفاتر حزب در اجراآت خویش به صورت کتبی و حضوری از احکام اساسنامه یا مواد آن یاد آوری کنند، به اهمیت اساسنامه، حفظ مواد آن و رواج قانونمندی در حزب سیاسی کمک می کند.

نقش احزاب در دولت: برخی از احزاب از جمله، جمعیت اسلامی بحیث حزب سیاسی نامدار کشور، در تشکیل دولت وحدت ملی نقش اصلی و بسزایی دارد. وزرای ما در دولت، بهترین نمونه های خدمت به جامعه اند. در شرایط امروز کار سیاسی به عزم پایدار ضرورت دارد و رؤسا و منسوبین احزاب سیاسی در مشوره با افراد خبره، می توانند حق احزاب را از دولت بگیرند. زیرا حق داده نمی شود، بلکه گرفته می شود.



از نودوششمین سال روز استقلال افغانستان تجلیل شد



عنایت

از نود و ششمین سال روز استقلال افغانستان ابتدا پیش از ظهر با گُل گزاری در پای منار استقلال در محوطۀ وزارت دفاع ملی و بعد از ظهر طی همایشی در ارگ ریاست جمهوری تجلیل شد. در مراسم تجلیل از ۲۸ اسد، سران حکومت به شمول رئیس جمهور غنی، عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه، سرور دانش معاون دوم رئیس جمهور و برخی دیگر از مقامات کشوری اشتراک نمودند.

در این همایش مقامات دولتی، ابتدا حضرت صبغت الله مجددی سخنرانی نمود. وی بر حفظ استقلال و آزادی تأکید داشت و حاصل این استقلال را جان بازی و قربانی هزارها شهروند این کشور وانمود کرد.

سخنران دومی داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجراییۀ حکومت وحدت ملی بود. وی گفت: این استقلال، نتیجۀ مبارزۀ مردم افغانستان در یک قرن بوده که توسط امیر امان الله خان به دست آمده و هیچ کسی نمی تواند آن را انکار کند. آقای عبدالله در تجلیل از این روز، بیان کرد: افغانستان پس از گرفتن استقلال، هیچ گاهی از دسیسۀ دشمنان در امان نبوده است و با دسایس مختلف، دست و پنجه نرم کرده است.

رئیس اجراییه خاطر نشان کرد: در شرایط کنونی، مردم افغانستان درگیر مداخلات و توطئه های بیرونی است و هر روز بر پیکر این ملت، زخم می زنند. آقای عبدالله به صراحت بیان کرد: "ملت افغانستان امروز با کسانی مقابل است که دزدانه در تاریکی ها می خزند و اشباح گونه مثل لشکر شیاطین، طفل، پیر، جوان، مرد و زن این سرزمین را آماج قرار می دهند. کسانی که خود را به دشمنان افغانستان فروخته اند، بحیث تحقق اهداف پلید دشمن عمل می کنند". اظهارات رئیس اجراییۀ حکومت در حالی مطرح می شود که گروه طالبان آمادۀ مذاکرات صلح نیست و در حال حاضر این گفتگوها با بن بست مواجه شده است.

رئیس جمهور غنی که آخرین سخنران این همایش بود، گفت: ما به رشادت و جوانمردیِ فرزندان دلیر خود می نازیم، و می خواهیم فرهنگ قدردانی از جان فشانی های این دلیر مردان در میان ما عمومیت یابد و نهادینه گردد. رئیس جمهور در سخنرانی خود تصریح کرد که، در حدود یک هزار مدال که قرار است توزیع شود، بخش عمدۀ آن را به سربازان، افسران و منسوبان نهادهای دفاعی و امنیتی اختصاص دادیم.

رئیس جمهور غنی افزود، تعهد ما نسبت به حقوق خانواده‌های شهداء، نیروهای دفاعی و امنیتی به قوت خود باقی بوده و همۀ ما مدیون شهادت نیروهای امنیتی هستیم.

آقای غنی افزود، سالروز استقلال کشور فرصتی است تا این افتخار بزرگ را به یکدیگر شاد باش و تهنیت بگوییم و همچنان زمینۀ است تا تجربۀ تاریخی خود را دوباره بررسی کرده و در روشنایی آن بسوی آینده گام برداریم. رئیس جمهور غنی ضمن قدردانی از نیروهای امنیتی، شجاعت و مردانگی آنان را نیز ستود.

۹۶ سال پیش مردم افغانستان استقلال خود را در تاریخ ۲۸ اسد سال ۱۲۹۸ خورشیدی که برابر ۱۹ آگست سال ۱۹۱۹ میلادی می شود، از بریتانیای کبیر اعلام نمود. از آن زمان به بعد، حکومت ها و رژیم های مختلف از این روز تجلیل کرده اند و آن را گرامی داشته اند.

از ۲۸ اسد در حالی تجلیل می شود که جنگ و نا امنی در سراسر کشور به ویژه ولایت های شمال و شمال شرق ادامه دارد. جنرال عبدالرشید دوستم، معاون اول رئیس جمهور غنی در ولایت فاریاب در خط مقدم نبرد با طالبان و تروریست ها حضور دارد. وی گفته است: "تصمیم دارم تا دشمنان را در سراسر کشور نابود کنم". و پس از تأمین امینت در فاریاب به قندز و بدخشان می رود و با دشمنان به شکل رویا روی مبارزه خواهد کرد. از استقلال افغانستان در حالیکه تجلیل می شود که به باور برخی ها کشور هنوز از استقلال سیاسی و اقتصادی برخوردار نیست. هنوز کشورهای غربی خطوط اساسی سیاسی و مالی کشور را تعیین می کنند و بیشتر از ۸۰ درصد بودجۀ عادی و توسعه ای کشور منوط به کمک های بیرونی از جمله کشورهای غربی (امریکا و انگلیس) است.

افغانستان پس از استقلال در ۲۸ اسد روزهای خوشی را ندید و همواره شکار توطیه های بیرونی و ارتجاع داخلی گردید. در حالیکه خیلی ها شاه امان الله را متهم به افراط در جهت مدرنیته سازی افغانستان می دانند، کاپی برداری او را از مظاهر تمدن غرب و شتاب در تطبیق آن، در افغانستان سنتی تبعات منفی دیگری را به بار آورد. افغانستان می بایست مدرنیته را به شکل سیکلی و گام به گام تجربه کند.

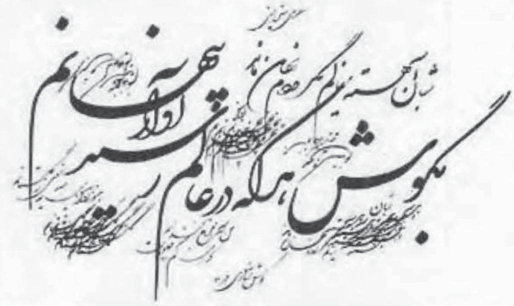
باوصف این که ۹۶ سال از آن روز می گذرد، مردم افغانستان به برخی از مظاهر آن روزها نا آشنا اند. اساساً استقلال ریشۀ تاریخی دارد که در هر دورۀ تاریخی معنای خاص خود را دارد. در دنیای که امروزه ما زندگی می کنیم، قدرت های بزرگ دنیا، استقلال تمام کشورها را به رسمیت می شناسند، اما قسمی که گفته شد، از لحاظ اقتصادی و سیاسی هنوز وابسته ایم. حضور نیروهای خارجی هنوز از موضوعاتی اند که استقلال و تمامیت ارضی را به چالش می طلبد. در میان سران قدرت های بزرگ دنیا، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، طی پیامی ۲۸ اسد، روز ملی استرداد استقلال افغانستان را به رئیس جمهور غنی تبریک گفته است. پوتین با تأکید بر گسترش همکاری های دو جانبه، تحکیم روابط را به نفع مردمان دو کشور، دانسته و امنیت و ثبات در منطقه آسیای مرکزی را خواستار شده است. رئیس جمهور روسیه امنیت دایمی و رفاه عامه را نیز برای مردم افغانستان توقع نموده است.

تجلیل از ۲۸ اسد در حالی کمرنگ برگزار شد که حکومت افغانستان از سایر روزهای تاریخی از جمله ۸ ثور۱۳۷۱ سالروز پیروزی مجاهدین طی سال های اخیر به درستی تجلیل نه کرد. هرچند امسال نسبت به سال های گذشته از ۲۸ اسد در مرکز و ولایات تجلیل شد اما اوضاع نا به سامان کشور بهانۀ شده، تا حکومت افغانستان نتواند روزهای ملی را با دبدبه های بیشتر و در خور شأن استقبال کند.

کابرد واژه های قرآنی در دیوان شاعران بزرگ

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل







سحر بابل: برگرفته از داستان هاروت و ماروت دو فرشته یی که خداوند (ج) برای آزمون انسان ها به سرزمین بابل فرود شان آورد و مردم از آنها سحر آموختند (رک: بقره آیه ۱۰۲) و به وسیلهٔ این سحر میان زن و شوهر جدایی افگنده می شد.

سحر بابل گرد پسند نشد
سوی جادوی بی نماز فرست
(خاقانی)

روی تو چو جای سخر بابل
موی تو چو جای مار ضحاک
(سعدی)

سحر مبین: فارسی شدهٔ سحر مبین که چندین بار در قرآنکریم از زبان کافران در برابر پیامبران به کار رفته است، از جمله (سورهٔ هود: آیه ۲)

صورت کنند زیبا بر پرنیان و دیبا
لیکن بر آبرو نش سحر مبین نباشد
(سعدی)

تو در سخن ید بیضا نموده ای خواجو
چگونه نسبت شعر ات کنم به سحر مبین
(جواجو کرمانی)

جمالت معجز حسن است لیکن
حدیث غمصه ات سحر مبین است
(حافظ)

عروهٔ الوثقی/ عروهٔ وثقا (دست آویز محکم): وام گرفته از آیه سوره بقره: رجوع کنید به آیه ۲۵۶ .

تکیه بر شرع محمد کن برقرآن کن
زان کجا عروه وثقای تو جز قرآن نیست
(سنایی)

عروهٔ وثقا است این ترک هوا
بر کشد این شاخ جان را بر سما
(مولانا)

آن شهنشاهی که بر اعتصام انبیا
عقده فتراک او از عروهٔ الوثقی زنند
(عراقی)

عظم رمیم (استخوان پوسیده): رجوع کنید به سورهٔ یس آیه ۷۸

ای مفتخر به حشمت و تعظیم و راه خویش
یاد آر زیر خاک عظام رمیم ما
(سنایی)

چو روز حشر مرا از لحد بر انگیزند
هنوز شعله زند آتشم ز عظم رمیم
(خواجو)

به بویش ار دل ما زنده میشود چه عجب
که بوی دوست دمد روح در عظام رمیم
(عماد فقی)

بعد صد سال اگر بر خاکم گذری
سر بر آرد ز گلیم رقص کنان عظم رمیم
(حافظ)

غلمان (پسران جوان بهشتی که بهشتیان را خدمت کنند): بر گرفته از سوره طور آیه ۲۴

مگر لکشر گه غلمان خلدند
سرادق شان زده دیبای اخضر
(ناصر خسرو)

بگذر از نفس بهیمی تا نباشد تنت را
طمع نقل و مرغ و خمر و حور و غلمان داشتن
(سنایی)

ور چنین حور در بهشت آید
همه خادم شوند و غلمانش
(سعدی)

فردا اگر نه روضهٔ رضوان به ما دهند
غلمان ز غرفه، حور ز جنت به در کشیم
(حافظ)

قرهٔ العین (روشنایی چشم، نور چشمی) بر گرفته از تغبیر قرآنی قرهٔ عین لی و ذلک (روشنی چشم من و تو) (طور آیه ۲۴) از زبان زن همسر فرعون به او، آنگاه می خواست دل او را نرم کند و عاطفت او را بر انگیزد، تا از کشتن موسی (ع) چشم فرو پوشد و او را چون فرزند خویش نزد خود نگه دارد و بدان چشم و دل خود روشن سازد. همین تعبیر در سخن حضرت رسول الله (ص) نیز آمده است: حبب الی من دنیاکم النساء و الطیب و جعلت قرهٔ عینی فی الصلاهٔ (از دنیای شما زن و بوی خوش، خوشایند من شده و روشنایی چشم من در نماز نهاده شده)

ای چارده ساله قرهٔ العین
بالغ نظر علوم کونین
(نظامی)

همت قرهٔ العین هم میوه دل
نباشد از این خوش لقاتر شگوفه
(کمال الدین اسماعیل)

چون روان کردند خون از قرهٔ العین نبی
چشم عیسی خون ببارید و دل ترسا بسوخت
(خواجو)

قرهٔ العین من آن میوه دل یادش باد
که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد
(حافظ)

استقلال
و راه دشوار نگه داری آن

همنوا

زمان، زمان تجلیل از استقلال بحیث جشن ملی افغانستان است. این روز در کنار هشت ثور از روزهای تاریخی و سرنوشت ساز کشور ماست که قانون اساسی ما این دو روز را بحیث روزهای تاریخی وانمود کرده است.

بحث در مورد آزادی و استقلال، بحث دراز و گسترده است.

چرا استقلال بدست آمد و مردم چه قربانی های در راه حصول آن دادند و پدران ما چه حکایت هایی از آن دارند!

حفظ و نگه داری استقلال تا چه اندازه مهم و چه دشواری هایی زایند آن قرار دارد؟

قضاوت و داوری در بارهٔ پادشاهی امان الله خان به روایت حوادث آن روز چقدر مهم و ارزشمند است؟

مقایسهٔ کشور ما با سایر کشور های مشابه و گذشت سال ها و نابرابری ها برای نسل امروز و فردای ما تا چه اندازه مهم و دردناک است؟

امروز چه کسانی و چه رسانه هایی در بارهٔ این مسایل سخن می گویند و چه اهدافی را دنبال می نمایند؟

در این نوشتار فقط در مورد دو پرسش نخست بحث می شود و دنبالهٔ پرسش ها شاید هم در هفته های بعد.

استقلال طلبی از خصوصیت های شناخته شدهٔ افغان ها است. مردم مسلمان و مجاهد ما در دو جنگ با امپریالیسم انگلیس، این خاصیت بارز خویش را به نمایش گذاشتند و در جنگ سوم افغان و انگلیس بار دگر با جهاد حق طلبانه شان برضد تجاوز گران خارجی، مهر تایید بر این خاصیت اسلامی و ملی خویش کوبیدند. پس جهاد مردم ما از خصوصیات تاریخی این سرزمین است و نباید به یک شخص و یا یک دستگاه ارتباط داده می شود.

استقلال در زمانی بدست آمد که عساکر متجاوز خارجی در قلمرو آنروز افغانستان حضور فزیکی نداشتند و تنها در سیاست خارجی کشور ما وابسته به استعمار انگلیس بود و در همه قراردادها و توافقات نظر انگلیس ها شرط دانسته شده بود! این امر بر مردم ما بسیار ناگوار و سنگین بود و پس از کشته شدن امیر حبیب الله در لغمان، جمعی در جلال آباد با سردار نصر الله خان نائب السطنه بیعت کردند و جمعی در کابل گرد آمده و به هواخواهی شهزاده امان الله فعالیت داشتند.

مجاهدان جمع شده درکابل با شرط جهاد با انگلیس ها با شهزاده امان الله بیعت کردند و این نخستین فریاد و خواست مردم ما از پادشاه فردای شان بود... سردار در جلال آباد از بیم خونریزی هموطنان، سلطنت دست کشید و به کابل آمده و با برادر زادهٔ خویش بیعت کرد و با تأسف که به زندان افتاد و در زندان به شهادت رسید و امیر جوان تحمل حیات کاکای خویش را نداشت...

پس مردم ما که از تجمل و خوش گذرانی پادشاه وقت (امیر حبیب الله) به تنگ آمده بودند و منتظر قیام بخاطر استقلال کامل بودند، شهزادهٔ جوان را مناسب برای قومانده و رهبری جهاد دانستند و در کابل با او بیعت کردند و مردم ما با ایثار جان و مال خویش برای جهاد آمادگی گرفتند.

اکثر علمای قوم سر دسته های مجاهدین بودند و در کنار لشکر حکومتی از کشور و آزادی خویش دفاع کردند تا استقلال سیاسی کشور را بدست آوردند.

و سوال مهم و اساسی امروز، حفظ و نگه داری استقلال است!

پس از حصول استقلال سیاسی، چه مشکلات و دشواری های فرا راه ما قرار گرفت و از همه بیشتر استقلال فکری و فرهنگی ما در طی سالیان دراز مورد تجاوز و تاخت و تاز قرار داشت.

و امروز نیز که کشور ما از بحران بزرگ و فاجعهٔ تاریخی جان به سلامت برده و در حال سازندگی است، باز هم تهاجم گوناگون نظامی، اقتصادی و فرهنگی اجانب، کشور و مردم ما را مورد هجوم قرار داده است!

حفظ استقلال سیاسی بدون حفظ عزت و آبروی کشور و دفع و طرد تجاوز فرهنگی و یورش تبهکار فکری و فرهنگی اجانب، ناممکن است. ما به غذا نیاز داریم. ما به بهبود وضع اقتصادی وطن خود ضرورت داریم. ما به صحت و تربیهٔ اولاد این سرزمین علاقه داریم و از همه مهمتر به باور ها و اعتقادات دیرین مردم و پایه ها و استوانه های عقیدتی و فکری مردم که در همه جنگ های ضد تجاوز، اساس و پشتوانهٔ قیام های مردمی بود، بیشتر از همه چیز نیاز و ضرورت حیاتی داریم.

اگر ما در همه ساحات به مدارج بلند و عالی برسیم ولی اساس فکری و عقیدتی ما بی پایه و پوشالی باشد، آنگاه ترقی و تمدن برای ما سودی نخواهد داشت و ما به قهقراء خواهیم رفت. بیایید در راه حفظ استقلال سیاسی کشور در راه حفظ ارزش ها و باور های دینی مردم کوشا باشیم و همهٔ ما و همه رسانه های دولتی و غیر دولتی باید جداً هوشیار باشند که این مرزها جداً حفظ شود و همه خطرها و تهدید هایی که متوجه کشور و مردم ماست و تلاش در خدشه دار کردن هویت اسلامی و ملی ما می شود، باید جلوگیری شود تا استقلال سیاسی و فرهنگی ما حفظ گردد.

۹۶ سال از استقلال افغانستان می گذرد



تکساری

۲۸ اسد به مثابهٔ روز استقلال کشور همه ساله به صورت تشریفاتی از سوی سران حکومت تجلیل می گردد. طی نزدیک به یک قرن رجز خوانی های زیادی در خصوص این روز صورت گرفته و پرچم ها بر افراشته شده، شعرها و داستان های حماسی خوانده شده است. اما طی این مدت در خصوص استقلال و شکست برنامه های اصلاحی از سوی تعدادی از رهبران این کشور کار های پژوهشی دقیق صورت نگرفته است.

پس از استقلال افغانستان (۱۹۱۹) افغانستان چند بار استقلال سیاسی خود را از دست داده است. اشغال افغانستان از سوی اتحاد شوروی وقت به قیام و جهاد مردم انجامید و این مردم افغانستان بودند که با دادن بالاتر از میلیون ها مسلمان و تخریب یک سرزمین و معلولیت های چند میلیونی، استقلال خود را باز یافتند. بار دیگر سلب استقلال سیاسی افغانستان از سوی کشور جنوب انجام پذیرفت، که در نتیجهٔ جهاد و مقاومت و رهبری پروفیسور ربانی و با فرماندهی احمد شاه مسعود این استقلال دوباره به این کشور بر گردانیده شد.

افغانستان در قرن ۲۰ نه تنها استقلال خود را از بریتانیا به دست آورد؛ بلکه این استقلال بار دیگر به زور ضرب شمشیر و مبارزهٔ مسلحانه بر گردانیده شد که هر یک از این مبارزات قابل تمجید و سپاس گزاری است و ارزش هیچ یک کمتر از دیگری نیست. این دیگر افسانه نیست که بالاتر از یک میلیون انسان قربانی آزادی افغانستان گردد و از آن تجلیل شایسته به عمل نیاید.

مشکل افغانستان بعد از استقلال (۱۹۱۹) شکست روند دولت سازی مدرن و ناکامی جریان اصلاح طلبی در کشور بوده است، زیرا افغانستان همواره در برابر اصلاحات و تغییرات بنیادی از سوی رهبران حکومت در شرایطی عنوان گردیده است که بستر جامعه آمادهٔ تغییر و اصلاح نبوده و در برابر آن مقابله صورت گرفته است.

در جغرافیایی سیاسی افغانستان تا اکنون از منابع طبیعی و اقتصادی آن تا هنوز استفاده صورت نگرفته است و به عنوان یک ثروت بالقوه در کشور وجود داشته است که تا هنوز به فعل و عمل تبدیل نشده است. گفته شده است که یکی از دلایل سقوط حکومت شاه امان الله، نبود پول در خزانهٔ دولت بوده است و حکومت پروفیسور ربانی و دیگران با این معضل مواجه گردیده اند و اگر این دولت موجود از گذشته ها پند نگیرد، با یک چنین پراگنده گی مواجه خواهد گردید.

روزی شاهان خراسان قدیم با بدست آوردن غنایم و با لشکر کشی به شهر های دیگر جنوب آسیا مصارف دستگاه حکومتی و لشکری خود را تامین می نمودند و مشابهت این حکومت با حکومت های گذشته در این است، که هردو حکومت یعنی حکومت های قبل از شاه امان الله و حکومت داکتر نجیب با کمک های خارجی های زنده گی می نمودند و در صورت ختم این کمک ها حکومت های شان متلاشی گردید.

از وظایف و مکلفیت های حکومت وحدت ملی است تا از استقلال و تمامیت ارضی افغانستان در برابر تجاوزات بیرونی حراست و پاسداری نماید. به همین اساس این حکومت وظیفه دارد با وجود ضعف های اقتصادی و مالی از این سرزمین دفاع و حراست نماید، به جواب راکت های کشور همسایه پاسخ دهد و استقلال و آزادی کشور را با هیچ چیزی معامله نه نماید. همان گونه که گذشته های این سرزمین از این مرزوبوم حمایت نمودند، باید این حکومت این میراث تاریخی را درست پاسداری نماید.

حقایقی در مورد جنرال حمیدگل

وحید مژده

جنرال حمید گل رئیس پیشین آی اس آی چند روز قبل در اثر سکتهٔ مغزی چشم از جهان فرو بست. خبر مرگ وی در رسانه های افغانستان با استقبال و شادمانی مواجه شد. این شادمانی بیشتر به این دلیل بود که گویا حمیدگل حامی طالبان بود و از وی حتی به عنوان پدر طالبان نیز نام برده شد.

تا اکنون از افراد دیگری مانند مولانا فضل الرحمان، مولانا سمیع الحق و جنرال نصیرالله خان بابر بعنوان پدر معنوی طالبان و از بی نظیر بوتو بعنوان مادر طالبان نام برده شده بود و این اولین بار بود که در این رابطه از جنرال حمیدگل نیز نام برده شد.

قبل از حمیدگل ریاست آی اس آی بعهدهٔ جنرال اختر عبدالرحمان بود که در مدت هشت سال، آی اس آی را به یک امپراتوری نامرئی در پاکستان مبدل ساخت. به جنرال اختر عبدالرحمان به این دلیل در مدت هشت سال ترفیع رتبه داده نشد تا همچنان رئیس آی اس آی باقی بماند اما سرانجام زمانی که روس ها حاضر شدند تا در مورد خروج شان از افغانستان با امریکا به تفاهم بپردازند، میان شوروی و امریکا توافقی بعمل آمد تا در پاکستان نیز تغییراتی بمیان آید.

یک تغییر مهم این بود که اختر عبدالرحمن ارتقای درجه گرفت و با رتبهٔ جنرال چهارستاره (دگر جنرال) در سال ۱۹۸۷ بحیث معاون قوای مسلح پاکستان جای خود را به جنرال حمید گل سپرد.

جنگ مشهور جلال آباد در زمان صدارت بی نظیر بوتو و ریاست جنرال حمیدگل در آی اس آی بوقوع پیوست که به شکست این جنرال استراتژیک فوج پاکستان تعبیر شد اما او در یکی از آخرین مصاحبه هایش در شبکهٔ تلویزیونی (جیو) با سلیم صافی در برنامهٔ (جرگه) در جواب این سوال که آیا استراتژی وی در جنگ جلال آباد شکست نخورد؟ گفت که این جنگ را بی نظیر بوتو و جنرال نصیرالله بابر سازمان دادند تا حکومت مجاهدین تحت رهبری صبغت الله مجددی در آنجا مستقر گردد. من در طرح برنامه های آن جنگ نقشی نداشتم و شکست آن نیز به من رابطه ندارد.

جنرال حمیدگل مدعی بود که اساساً وی یک استراتژیست نظامی است. بعنوان یک پاکستانی بخاطر منافع کشورش حاضر بود استراتژی های نظامی پاکستان در منطقه را طوری عیار سازد که بیشترین منافع ممکن را به پاکستان داشته باشد چه این استراتژی در جهت حمایت و تجهیز مجاهدین در دوران جهاد بود، یا جنگ جدائی طلبان مسلمان طرفدار پاکستان در کشمیر، اما ظهور طالبان در افغانستان زمانی بوقوع پیوست که جنرال حمیدگل در دوران بی نظیر بوتو مورد بی مهری قرار گرفته از فوج متقاعد شد و قدرت



اجرائی بعنوان رئیس آی اس آی نداشت.

بعضی از تحلیلگران محترم بی اطلاع از جریانات گذشته، مدعی شدند که جنرال حمیدگل مشاور نظامی حکومت مجاهدین در دوران استاد ربانی بوده است. این ادعا به این دلیل عنوان شده که حمیدگل در دوران حکومت مجاهدین مدتی را در کابل سپری کرد و تلاش داشت تا میان حکمتیار و حکومت مجاهدین صلح برقرار سازد.

استاد ربانی می دانست که حمیدگل بیش از دیگران با گلبدین حکمتیار رابطهٔ نزدیک دارد و شاید به همین دلیل، استاد از حمیدگل دعوت کرد تا میان حکومت مجاهدین و حکمتیار وساطت نماید به این امید که شاید این وساطت به آتش بس و صلح بیانجامد. در غیرآن وقتی شخصیت با تجربه ای چون احمدشاه مسعود در کنار استاد ربانی قرار داشت، به مشاور نظامی چون حمیدگل چه نیازی احساس می شد؟

حمیدگل کسی بود که مخالف سیاسی شدن طالبان و مذاکرات مستقیم آنان با امریکا بود و از اینکه طالبان دور از دسترس پاکستان دفتر سیاسی شانرا به قطر برده اند، سخت مخالف بود. در یک سمینار از جماعت اسلامی در سال ۲۰۱۲ در پیشاور، وقتی از وی در مورد تحرکات سیاسی طالبان و دفتر قطر پرسیده شد با صراحت گفت که (من با ایجاد دفتر طالبان در قطر سخت مخالف هستم زیرا منافع پاکستان در قطر تامین نمی شود). جانبداری وی از طالبان بصورت بی قید و شرط نبود، بلکه در آن منافع پاکستان را مقدم می دانست.

حمیدگل را می توان نمایندهٔ طیفی از شخصیت های نظامی-سیاسی پاکستان دانست که دیدگاه خاص در مورد افغانستان دارند. آنها پاکستان بدون افغانستان را بصورت طبیعی ناقص و آسیب پذیر می دانند و افغانستان بدون پاکستان را فقیر و دست به گریبان با مشکلات اقتصادی، اما در عین حال به این باور اند که یکجا شدن دو کشور از راه اشغال نظامی افغانستان نیز ناممکن است. بنابراین باید راهی برای یکجا شدن دو کشور بشکل یک کنفدریشن جستجو گردد. گلبدین حکمتیار در میان رهبران مجاهدین یگانه کسی بود که در دوران جهاد تحت تاثیر همین مفکوره از لزوم یکجا شدن دو کشور در چهارچوب یک کنفدریشن سخن گفت تا در نتیجهٔ آن، هم موضوع دیورند حل گردد و هم افغانستان به آسانی به بحر راه یابد اما این نظر در میان مردم افغانستان مورد استقبال قرار نگرفت و احزاب دیگر جهادی نیز با آن ابراز مخالفت کردند.

در اخیر ذکر این نکته نیز لازم است که همزمان با مرگ حمیدگل، شجاع خانزاده وزیر داخلهٔ پنجاب نیز در اثر یک حملهٔ انتحاری در دفتر کارش همراه با عدهٔ دیگر به قتل رسید و مسوولیت این حمله را لشکر جهنگوی به عهده گرفت. شجاع خانزاده نیز در دوران جهاد افغانستان، مدت هشت سال رئیس دفتر آی اس آی در ایالت بلوچستان بود که در وقایع افغانستان نقش داشت. مرگ دو مقام سابق آی اس آی و فعال در مسئلهٔ افغانستان در یک زمان را می توان تصادف عجیب بشمار آورد.

شفیق

په مصر کې د ترهګرۍ پر خلاف د نوي قانون توشيح
د فرعوني تاريخ تکرار

نږدې مياشت وړاندې په مصر کې ددغه هيواد د لوي څارنوال ددغه هيواد د واکمن نظام د وسله والو مخالفينو لخوا په قاهره کې ترور شو او هم دوه اونۍ وړاندې د دولت مخالفو جنګياليو په خپل يو بريد کې څه د پاسه ديرش تنه مصري پوليس ووژل، کوم کار چې د مصري ديکتاتور واکمن (عبدالفتاح السيسي) اعصاب خراب کړل او د اسلامپال ګوند الاخوان المسلمون پر خلاف يې خپله د تشدد پالسيي نوره هم تنده کړه ؛ د لوی څارنوال په وژل کيدو سره (چې مسؤليت يې د دغه هيواد وسله والو مخالفينو په غاړه اخيستي وو) مصري واکمن رژيم د الاخوان المسلمون نهه تنه غړي ، پرته لدې چې له دغې پيښې سره تړاو پرې ثبوت شي ، په خپلو کورونو کې ووژل ؛ پداسې حال کې چې د الاخوان المسلون ګوند د ترهګريزو عملياتو څخه ملاتړ نکوي او د سوله ايز سياست پلويان دي خو د السيسي حکومت ورسره د ترهګرو تعامل کوي او لا دمخه يې دغه ګوند لا قانونه اعلان کړيدي او د ديرش زرو په شاوخوا کې غړي يې زندانونو کې اچولي دي.

تيره يکشنبه د مصر دیکتاتور ولسمشر، چې د ولسمشري منصب يې د دغه هيواد له تولو غټ ګوند الاخوان المسلمون لخوا د هغې په ناقانونه ګرځولو او د زرګونو په شمير کې غړي يې د قيادتونو په شمول زندانونو کې اچولو لامله له ټاکنو محروم ګرځولی وو؛ د ترهګرۍ پر ضد يو نوی قانون توشيح کړ . دغه قانون نوموړي ته د دده د هر مخالف نيولو او تر اعدامولو پورې جزا ګانو لا محدوده اجازه ورکوي ، چې د ترهګرۍ پر ضد قانون نومولی شوی دی او له مخې يې د هر هغه چا د زنداني کولو ، اعدامولو او په کلونو بند او زرګونو ډالرو جريمه کولو اجازه ورکوي چې د واکمن رژيم خوښ نه اوسي او پدې ترتيب به هيچاته د لاريون کولو د مدني حق څخه د ګټې پورته کولو اجازه نه اوسي ؛ ځکه هر هغه څوک چې د حکومت مخالف فعاليت کوي . هغه د مصري حکومت په وړاندې د ترهګرۍ (؟) په لا محدوده معنې کې راځي او هم د دغه قانون له مخې له ډله ايزو رسنيو له لياري د حکومت پر خلاف تبليغات کول ترهګري ګڼل شوي‌ده او آن تردې پورې ددې نوم د اطلاق دايره دومره پراخه ده چې ژورنالستان هم نشي کولی د مصر د حکومت د پاليسی او خوښې خلاف خبرونه خپاره کړي.

د مصري حکومت دغه عمل د ډيرو په اند د هغه انتقادي سياست زيږنده ده چې دغه حکومت د الاخوان المسلمون د نفوذ له ويرې، وار له مخې پلې کوي او د هغې په نتيجه کې يې په زرګونو خپل سياسي مخالفين په زندانونو کې اچولي دي . له همدې امله د بشر د حقونو څارونکې نړيوالې ادارې لخوا هم دغه نوي قانون غندلی شوی دی او دا يې د مصري حکومت لخواد خپلو مخالفينو (په حقيقت کې د الاخوان المسلمون) پر خلاف له تشدده ډک يو عمل او پاليسي ګڼلې ده.

عبدالفتاح السيسي وړاندې لدې چې دغه قانون توشيح کړي ، يوه اونۍ وړاندې يې د سويس کانال د دوهمې ليار هغه پروژه د مصريانو د غولولو لپاره پرانسته چې د اقتصادي پروژې پر ځای يوه سياسي پروژه وه او د خپل محبوبيت پيدا کولو په منظور يې د پرانستلو غونډې ته د نړۍ ګڼ سياسي مشران هم رابللي وو خو مصري ولس او نړۍ پدې پوهيږي چې غلامان چارواکي تل د خپلو ولسونو په سترګو کې د خاورو اچولو داسې غولونکې پروژې پر مخ بيايي . کله چې د يو هيواد د واکمن نظام حاکميت په ولس کې د پراخه نا امنۍ او کورنۍ جګړې لامل اوسي، هلته کله د توريزم د ودې په نوم ، دا ډول اقتصادي پروژې ګټه رسولاې شي ؟!!



خو حقيقت دا دی په يوويشتمه پيړۍ کې هم د فرعوني سياست اجازه شته دي؛ هغه چې زرګونه کاله مخکې په مصر کې رايج وو او له مخې يې دوهم رعميسس د بنې اسرائيلو اولادونه وژل او د خپلې واکمنۍ او پر ژوند له ويرې به يې ، د بني اسرائيلو ماشومان ژوندي نه پريښودل ؛ د مصر د اوسني فرعون (عبدالفتاح السيسي) سياست د پخواني فرعون سياست ته ورته دي ؛ ځکه د خپلو سياسي مخالفينو له محاکمې او پرې د حکومت خلاف وسله وال عمل ثبوت پيدا کيدو پرته ، د هغوی وژل (لکه د لوي څارنوال له وژلو وروسته يې چې نهه تنه اخوانيان په يوه ورځ په خپلو کورونو کې شهيدان کړل) او د خپلو مخالفينو له مدني حقونو څخه د ګټې پورته کولو (د لاريون کولو او د ظلم پر خلاف آواز اوچتولو) په جرم ؟ د خپلو وګړو په زندانونو کې غورځولو او ورته سيناريويي دوسيو جوړولو او د اعدام او عمربند حکمونو اورولو سزاګانې د پخواني فرعون د عمل تګلارې دي، چې په يوويشتمه پيړۍ کې عبدالفتاح السيسي داسې قانونونه توشيح کوي؛ خو بل ځای بيا د ولس په خوښه راغلي مشران لکه په خپله دوکتور مرسي، د سوډان او ايران اسلامي نظامونو او نورو پر خلاف توطيې جوړوي او له واکه يې د ګوښه کولو کوښښ کوي.

او د داسې کړنو سره بيا هم ، عجيبه بشريت او د موکراسي؛ چې له ميلاده څخه زرګونه کلونه مخکې فرعوني کړنې پکې نه محکوميږي !!

تحریم محصولات پاکستانی...

بعد از سال ۲۰۰۱ که نیروهای خارجی به افغانستان آمدند، راه کراچی یگانه راه آسان و کم مصرف برای اکمال این نیروها بود و از آنجائی که هیچ بدیلی برای آن وجود نداشت، تجارت افغانستان مانند گذشته وابسته به همین راه باقی ماند.

لازم بود تا دولتمردان ما به فکر راه بدیل بندر کراچی می افتادند و یگانه راه نیز از طریق خاک ایران بود اما امریکا ایران را تحت تعزیرات اقتصادی قرار داده بود. این تعزیرات افغانستان را نیز در رابطهٔ تجاری با ایران به محدودیت مواجه ساخت. راه بندر عباس می توانست راه بدیل برای افغانستان باشد اما ایران نیز بخاطر حضور امریکا در افغانستان، در این مورد سهولت های لازم را در اختیار تجار افغان قرار نمی داد.

امروز هم اگر ما بخواهیم اجناس پاکستانی را تحریم نمائیم، باید اجناس مشابه را از خارج وارد سازیم و اگر این کار از راه بندر کراچی صورت گیرد، آیا پاکستان اجازه خواهد داد؟ مگر بارها شاهد نبودیم که مواد غذائی که از طریق این بندر وارد شده بود، به دلیل اینکه اموال مشابه تولیدی پاکستان را در بازار های افغانستان به خطر رقابت مواجه می ساخت، در بندر کراچی آنقدر معطل شد تا فاسد گردید و تاجران افغان میلیون ها دالر ضرر کردند؟

چون بیشتر واردات ما از پاکستان اجناس مورد نیاز اولیه و بخصوص مواد غذائی است، دولت افغانستان باید سال ها قبل در جهت رسیدن به خودکفائی، به تقویت سکتور زراعت در کشور اقدام می کرد اما متاسفانه چنین نشد و ما وابسته به محصولات کشور های همسایه و بخصوص پاکستان باقی ماندیم.

مشکل دیگر دولت افغانستان اینست که عواید آن بیشتر متکی به عواید گمرکی است که از واردات بدست می آید. سال گذشته که به دلیل کاهش عواید مردم در داخل افغانستان، از میزان واردات کاسته شد، عواید دولت نیز بشدت کاهش یافت.

مشکل دیگر فساد اداری در افغانستان و بازبودن سرحدات کشور در برابر قاچاق است. وقتی افراد مسلح و وسایل جنگی از این سرحدات داخل کشور می شود، آیا در صورت تحریم اجناس پاکستانی، می توان مطمئن بود که مثلاً آرد و روغن بصورت قاچاق داخل افغانستان نگردد؟ آیا فساد این اجازه را می دهد که جلو فروش این اجناس در بازار گرفته شود؟ نتیجهٔ این کار می تواند کاهش عواید گمرکی دولت و بلند رفتن قاچاق در کشور باشد بدون اینکه در ورود این اجناس کاهشی رونما گردد.

بنا براین تا زمانی که دولت قادر به کنترول سرحدات خود با کشور های همسایه نباشد و از جانب دیگر فساد اداری در کشور به چنین پیمانهٔ بی سابقه ادامه یابد و دولت نیز با کاهش مزمن بودجه مواجه باشد، هرگونه تحریم با کشور پاکستان و یا کشور دیگری معنی دار نخواهد بود.

اما اگر این تصمیم را خود مردم بگیرند که اجناس پاکستانی را نخرند، در ابتدا باید جایگزینی برای اجناس وارداتی از پاکستان جستجو گردد تا بازار جوابگوی این تصمیم خریداران باشد.

مشکل دیگر در این زمینه اینست که در ولایات سرحدی، پول پاکستانی معیار داد و ستد می باشد و دلیل آن نیز واضح است؛ تجار اجناس پاکستانی را با پول پاکستانی می خرند و به دلیل ثابت بودن قیمت پول پاکستانی، نفع خود را به آسانی تشخیص می دهند. در سال های گذشته علی الرغم اینکه پول افغانی ارزش ثابتی در برابر اسعار خارجی داشت، بازهم دولت قادر نشد تا جلو چلند پول پاکستانی را در کشور بگیرد، اکنون که به دلیل کاهش کمک های خارجی، پول افغانی هر روز ارزش خود را از دست می دهد، آیا می توان به کنار نهادن پول پاکستانی بخصوص در ولایات هم مرز با پاکستان امیدوار بود؟

بصورت خلاصه می توان گفت که برای حل این معضل اقدامات ذیل اولویت دارد:

- **یافتن راهی بدیل برای بندر کراچی از طریق کشور همسایهٔ دیگر.**
- **خود کفائی کشور از نظر تولید مواد اولیه.**
- **کنترول موثر سرحدات**
- **مبارزهٔ موثر و قاطع با فساد در داخل کشور تا برنامه های اقتصادی به موفقیت برسد.**
- **سیاست های موثر حمایت از صنایع داخلی بجای بازار بی بندوبار آزاد.**

اگر دولت بتواند در ده تا پانزده سال آینده به این اهداف دست یابد، پیروزی بزرگی کسب کرده است!!

خجسته باد آزادی!

دوبار استقلال در یک قرن

محمد فایق هشام

در ۲۴ فبروری سال ۱۹۱۹ شاه امان الله در میان جمعیت انبوهی از مردم در کابل ضمن اعلام پیگیری کشته شدن پدرش اعلان استقلال نمود که با حمایت مردم مواجه گردید. شاه اصلاحات در کشور را شروع و کشور را صاحب قانون اساسی نمود. در ۳ مارچ همان سال نامه یی را به وایسرای هند فرستاد و در آن از کشته شدن پدرش و از بیعت نمودن نصرالله خان خبر داده و از جانب وایسرای هند خواست تا هم سلطنت او را برسمیت بشناسد و هم آزادی و استقلال افغانستان را.

وایسرای هند در نامه یی که در ۱۵ اپریل به شاه امان الله فرستاد صرف انزجار و مراتب نگرانی خود را از کشته شدن پدر امان الله خان ابراز نمود که از جانب شاه نوعی فریب دهی تلقی گردید.

شاه با دایر نمودن مجلسی که در آن طبقات مختلف جامعه فراخوانده شده بودند و از هر صاحب بصیرت نطقی استماع می کرد در آن مجلس جمعی بزرگی مذاکره بر سر برسمیت شناختن استقلال کشور را بنا بر تن ندادن جانب انگلیسی رد کرده و خواستار اعلان جهاد بر ضد انگلیس شدند که از جانب شاه امان الله پذیرفته شد.



مقبرهٔ امیر امان الله خان در ولایت ننگرهار

نخستین شمشیر برحق در ۴ می سال ۱۹۱۹ به هدف جهاد علیه انگلیس این قدرت استعماری، از نیام بر آمد. در این جهاد قوای نظامی از کابل جانب جبههٔ مشرقی اعزام شده علاوه از آن جبههٔ محاذ پکتیا، محاذ سمت مشرقی، محاذ قندهار و مردمان سنگردار سنگرگریز ناپذیر آن مناطق ندای جهاد را اجابت کردند و تلفاتی سنگین را به انگلیس ها وارد کردند. روزهای پرداخت تاوان انگلیس ها فرا رسیده بود و آنان می بایست از بابت ظلم، وحشت، قتل عام و ده ها جنایت دیگر شان تاوان پرداخت می نمودند که همان طور شد. اما خلاف میل مجاهدان و مبارزان ضد انگلیسی، در ۳ ماه جون همان سال متارکه نامه امضا شد و به مثابهٔ ریختن آب سرد بر آتش داغ جهاد. به اساس متارکه نامه که از جانب انگلیس پیش و از جانب افغانی تأیید گردیده بود، تخلیهٔ متصرفات و عقب نشینی از سرحدات را شامل می شد.

در پی مذاکرات با انگلیس ها در عهد امان الله خان و خاصتاً در اثر معاهده یی که در ۱۹۲۱ میان دولتین افغانستان و انگلیس منعقد گردید جانب انگلیس استقلال افغانستان را برسمیت شناخت و دیری نگذشته بود که اتحاد جماهیر شوروی و بعضی ممالک دیگر افغانستان را به عنوان کشور مستقل برسمیت شناختند.

محبت شاه امان الله در دل افغان ها موج می زد، همه او را دوست داشتند و از اقدامات بی پیشینهٔ او حمایت می کردند. او در واقع خلاف اسلافش عمل می کرد؛ اما او پس از برگشت از سفرهای اروپایی و خاصتاً از فرانسه و ترکیهٔ اتاترکی بسا اصلاحات و اقداماتی را که در آن کشورها نتیجه داده بود، به ملتی اعلان نمود که هنوز در دیانت و دین داری شان چون پولاد مستحکم و استوار بودند و جز عقیدهٔ اسلامی عقیدهٔ دیگر را نه تنها که پذیرا نبودند؛ بلکه از ریشه و بن آن را می کندند.

شاه امان الله با اعلان اصلاحاتی که در غرب دیده بود مقدمات سقوط خود را و سقوط دولتش را پیش آورد و نتیجتاً با نوشتن استعفا نامه و بیعت با برادر بزرگ خود عنایت الله خان، او از راه غزنی به قندهار و سرانجام به ایتالیا و به دوری از وطن پرداخت. و کابل بدست نیروهای امیر حبیب الله خان کلکانی خادم دین رسول الله فتح گردید. راز موفقیت او همانا پشتیبانی مردم بود که از شاه ناراض شده بودند و آیندهٔ درخشان را در وجود خادم دین رسول الله می جوئیدند.

***

روز تاریخی دیگر ۸ ثور است که از آن به عنوان پیروزی انقلاب اسلامی یاد می شود. نهضت اسلامی که اساس آن در زمان سلطنت محمد ظاهر گذاشته شد و در عهد ظاهر شاه با آن مبارزان برخورد نامیمون صورت گرفت و بعداً دولت محمد داوود نیز با ایشان برخوردی خشن و سرکوب گرانه را پیش گرفت. همهٔ این اعمال حاکمان مستبد ایشان را از مقصود شان باز نداشت و با توکل به الله اندکی از عزم شان فروگذار نکردند.

فعالیت نظامی در نخستین سالگرد کودتای محمد داوود خان که از جانب نظامیان جشن گرفته شده بود صورت گرفت. و اما بزرگ ترین فعالیت نظامی و گسترده ترین آن با کودتای تره کی آغاز گردید و قاطبهٔ ملت غیور کشور ندای جهاد را اجابت کردند و فعالیت و مبارزات نهضت اسلامی را که حاکمان و دستگاه های تبلیغاتی شان به هدف نفرت کردن مردم از نهضت، علیه نهضت تهمت ها و نارواهایی را برچسپ می زدند، مهر تأیید نهاده و به جبهات مقاوم و داغ رفتند.

جهاد برحق مردم غیور افغانستان با اشغال کشور از سوی بزرگ ترین قدرت نظامی جهان شدت بی سابقه گرفته و در طی نه سال اشغالگری افغانستان با سرهای خم و قامت کاملاً شکسته در نتیجهٔ جهاد قاطبهٔ ملت مجاهد کشور، از کشور اخراج و این قدرت متکبر و ستمگر پس از اخراج شان از افغانستان مضمحل گردیده و نتیجتاً کشورهای زیر اسارت اتحاد جماهیر شوروی وقت آزاد و کشورهای اروپایی و سایر ملل جهان که در تهدید این قدرت قرار داشتند از شر این قدرت ستمگر برای همیش رهایی یافتند. و ملت افغانستان با دادن میلیون ها قربانی و آواره گی بیش جهان را از شر این هیولای بزرگ نجات دادند.

مجاهدان رسا قامت و مبارز در ۸ ثور سال ۱۳۷۱ آخرین حکومت دست نشانده را سقوط داده و کابل را فتح نمودند و کشور را از استیلای بیگانگان بیرون کشیده و به استقلال دست یافتند. هشتم ثور روز پرشکوه و بزرگ است. لذا از این روز به عنوان روز پر افتخار می توان یاد کرد.

در واقع ملت غیور و قهرمان کشور در یک قرن دوبار استقلال را گرفتند. اگرچه استقلال نخستین تلفات و شکست های فاحشی را به پیکر پدر استعماری وارد آورد؛ اما به شکست کامل و منهزم شدن آن قدرت نینجامید. اما در دومین استحصال استقلال، قدرتی که علیه افغان ها دست به ماشه برده بود و نشان به دین و مذهب این مردم گرفته بود چیزی در حدود یک دهه تاب و توان نیاورده و شکست کامل و فضیحت باری را نصیب شد.

اخیراً دیده می شود که حلقاتی میان این دو روز تفاوت قایل شده یکی را بزرگ جلوه داده دیگری را حرمت نمی گذارند – در حالی که هردو روز روزهای پر افتخار است. و دیده می شود که به روز ۸ ثور نگاه های قومی می شود در حالی که این روز مانند ۲۸ اسد روزی است که همه اقوام در آن نقش بزرگ داشتند.

پاکستان د نا امنيو...

(چې له څو کلونو راهيسې په انگلستان کې اوسيږي) ونيسي او پدې اړه يې د نوموړي د نيولو احکام امنيتي ارگانونو ته صادر کړي دي.

د پاکستان امنيتي وضع پدې وروستيو کې لدې امله هم د خرابيدو په لوري روانه ده چې له يوې خوا د کور دننه د مطرح سياسي گوند د مهاجرينو قومي موومنټ او هم په بلوچستان کې د بلوڅو رهبرانو د وژل کيدو په ځواب کې د عکس العمل له گواښ او بلې خواته د شيعه وگړو د وژل کيدو په ځواب کې عکس العملونو سره مخ دی. چې له همدې امله يې د افغانستان د بهرنيو چارو وزير په مشرۍ پاکستان ته څو ورځې وړاندې تللي افغاني پلاوي ته ددغه هيواد د صدر اعظم د امنيتي او بهرنيو چارو سلاکار سرتاج عزيز په خپلو خبرو کې ويلي وو، چې افغانستان او پاکستان بايد پر يو بل باندې باور وکړي او د شاه شهيد پيښې ته په اشارې سره يې ويلې وو چې يو دريم لاس وجود لري چې د افغانستان او پاکستان ترمينځه د اړيکو ښه والی نه غواړي. خو په ناړۍ باندې د پاکستاني توغنديو بريد په نتيجه کې چې د پولې دواړو خواوو ته متقابلو ډزو کې کوم تلفات رامينځته شو، يو ځل بيا يې تکنی شوی اعتماد په بې اعتمادۍ بدل کړ او له همدې امله لومړی افغانستان د پاکستان سفير ته خپل تشويش څرگند کړ او ددغه هيواد سفير د بهرنيو چارو وزارت د اداري مرستيال لخوا غوښتل شوی وو او په سبا يې پاکستان هم ورته عمل ترسره کړ او په پاکستان کې د افغانستان سفير جانان موسی زی يې د بهرنيو چارو وزارت ته وغوښت او ورته يې خپل اعتراض پدې توگه وسپاره چې د افغان دولت ځينې سياسي لوري د پاکستان پر خلاف تنده لهجه کاروي، چې ښايي اشاره يې د جنرال دوستم وروستيو څرگندونو ته وه چې په فارياب ولايت کې د عملياتو په ترڅ کې خپل عمليات يې د پاکستان د استخباراتو پر خلاف عمليات گڼلي دي.

دا پداسې حال کې ده چې د امريکا د بهرنيو چارو وزير جان کيري د پاکستان، له هندوستان او افغانستان دواړو سره د سولې له لياری د خپلو اختلافونو د هوارولو او سوله ايزې لياري غوره کولو غوښتنه کړيده او د پاکستان دولت له روسيې څخه د نوو جنگي الوتکو د پيرودلو يو تړون لاسليک کړی دی او د کشمير په سيمه د دواړو خواو څخه د ډزو تبادله د تېرې چهارشنبې په شپه هم شوي ده او د هند او پاکستان ترمينځه اړيکې نورې هم ترينگلې شويدي.

افزایش مهاجرت ها...

همه را سراسیمه ساخته و دولت، حتا قادر نیست امنیت شاهراه را تامین نماید.

سیستم و ساختار فاسد اداری، محروم شدن مردم از قدرت به بهانه های سیاسی، قومی، عدم توزیع سالم قدرت و ثروت در میان لایه های مردم، قومی شدن اداره و حکومت داری، صدمه دیدن روان خانواده ها، نبود امنیت و پیچیده گی سیاست های داخلی و خارجی حکومت وحدت ملی، همه زمینه های فرار را برای جوانان بیشتر ساخته است.

آمار رسمی جهانی نشان می دهد که ۳۵ درصد نرخ بیکاری در کشور وجود دارد و تعدادی که نظر به فشار کشور های ایران و پاکستان اخراج می گردیده باشند، برای این بیجا شده گان شغل های جدید ایجاد گردد که یک چنین شغل اضافی در افغانستان وجود ندارد و در کوتاه مدت چشم انداز روشن نه در عرصهٔ امنیتی و نه در عرصهٔ اقتصادی وجود دارد. ۱۴ سال از حضور قدرت های خارجی در افغانستان می گذرد و تا هنوز طالبان و دیگر جنگجویان حضور پر رنگ در این کشور دارند و دولت در ۲۰ جبهه و محاذ و بالاتر از آن در نبرد با مخالفان خود قرار دارد.

دروازه های پارک های صنعتی در هرات، قندهار، کابل و سایر نقاط کشور که صد ها هزار تن در آنها کار می نمودند، نسبت نبود وسایل کار، برق، امنیت و مواد خام بسته شدند، که این ها همه زمینه های فرار جوانان را فراهم نموده است. یک تعداد شغل های اضافی که از سوی قوت های خارجی و انجو ها به وجود آمده بود، با رفتن این قوت ها و کاهش کمک های خارجی، این فرصت های شغلی از بین رفته و به کاروان بیکاران در کشور افزوده است. تا زمانی که یک نوع هماهنگی در میان رهبران وحدت ملی به وجود نیاید، و سرمایه های بیشتر داخل کشور نگردد، بعید است که جلو این فرار را از کشور گرفت.

هفته نامهٔ
وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا و اندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا و مواضع جمعیت نیست.

شعار ما
رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست.

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ بیست و یکم ۳۱ اسد ۱۳۹۴ ۷ ذوالقعده ۱۴۳۶ 22 August 2015

پاکستان د نا امنیو او گاونډیانو سره د جګړو په لور !



رفیق بحر

تېره اونۍ د اټک په سيمه کې د پاکستان د پنجاب آيالت د کورنيو چارو وزير کرنيل شجاع خانزاده په خپله دېره کې د يو بريد ښکار شو، چې پکې د نوموړي سربيره له شلو زيات کسان چې ډيری يې د نوموړی ساتونکی وو ، هم ووژل شو او هم زيات ټپيان يې درلودل. نوموړي چې د ترهګرۍ (؟) پر ضد عملياتو او فعاليتونو کې مطرحه څېره وه او څو ورځې وړاندې يې هم د يو شمير ترهګرو (؟) د وژل کيدو د کريدت ادعاء کړې وه ، د دوه وو تنو بريد ګرو لخوا چې لومړي يې د حجرې په دروازه کې او دوهم په جمع شوو خلکو کې ځانونه ته انفجار ورکړ ، ووژل شو .

پاکستان پدې ورځو کې يو ځل بيا د ترهګريز بريدونو هدف ګرځيدلی دی او له همدې امله د افغانستان او پاکستان ترمينځه د صفري نقطې دواړو خواو ته اورپکې هم د ډراوون (بې پيلوټه الوتکو) ټارګټ ګرځيدلي دي ؛ چې اونۍ وړاندې د وزيرستان ، خيبر او کرمې ايجنسۍ په قبايلي سيمو کې دوه ځلو بمباريو کې ګڼه مرګ ژوبله رامينځته شويده ؛ په لومړي بريد کې د پاکستان حکومت د پنځوس کسانو او په وروستي بريد کې يې د اوه لس کسانو د وژل کيدو ادعاء کړېوه .

د پاکستان د کورنيو چارو په وزير دغه وروستی بريد ، چې ورځخه د مخه هم په چارسده ، کويټه ، پيښور او نورو سيمو کې په حکومتي چارواکو ورته بريدونه ترسره شويدی ، د هغه بريد عکس العمل وو چې څه موده وړاندې په پنجاب کې د جنګوي د لښکر د مشر ملک اسحاق او د هغه دوه وو زامنو او ورسره ديارلس تنو ملګرو په وژل کيدو تمام شوی وو .

په پاکستان کې په پوځي ښوونځي باندې له بريد وروسته دا د پاکستان حکومت لپاره دردوونکی پيښه لدې امله وه چې وژل شوی وزير د ترهګرۍ ضد عملياتو کې مهمه پيژندل شوې څېره وه او پاکستاني طالبانو يې هدف ګرځول غوښتل، چې له همدې امله د پنجاب حکومت پدې پيښه په هيواد کې درې ورځنی ماتم اعلان کړيدی.

د حکومتي چارواکو پر خلاف بريدونه او په ځواب کې يې د اورپکو پر خلاف متقابل بريدونه پداسې حالاتو کې په پاکستان کې يو ځل بيا ډيريږي چې له يوې خوا پاکستان په قطبي او لويديځ ګاونډ کې د افغانستان پر خلاف د کنړ په ناړۍ سيمه توغندي ورولي او هم يې تيره دوشنبه د افغانستان په يوه پوسته بريد کړی دی ، چې د پاکستاني پوځيانو څخه درې تنه وژل شويدي او د افغانستان لورې ته يو بازار په بشپړه توګه سوځيدلی او زمونږ اته تنه پوځيان وژل شويدي . لدې څخه مخکې هم مياشت وړاندې د پکتيکا په برمل ولسوالۍ کې د افغانستان په خاوره کې پنځه ويشت کيلو متره دننه ، پاکستاني پوځيانو د يوې دروازې جوړول پيل کړی وو چې زمونږ يو عسکر پکې په هغه ځوابي عمل کې شهيد شوی وو چې پدغه دروازه يې د بريد پر مهال اته پاکستاني پوځيان وژلي وو او لا تر اوسه هم د سيمې د خلکو د وينا مطابق دغه دروازه باندې کار روان دی خو افغان حکومت د ديپلوماسۍ له لیارې د مسئلې د حل سندره زمزمه کوي !

همدارنګه پاکستان د کشمير په سيمه کې د هندوستان هيواد سره (چې ددغه هيواد روايتي حريف دی) په پوله باندې جګړه کې بوخت دی ، چې جګړه د پولې دواړو غاړو ته ميشتو وګړو له سيمې څخه د کوچيدو او دواړو خواوو څخه د ځاني او مالي تلفاتو لامل ګرځيدلې ده ، دغه متقابلې ډزې څو ځلې په تيره اونۍ کې تکرار شوي هم دي . بلې خوا ته په پاکستان کې د کراچۍ په ښار کې هم وخت نا وخته د نا امنيو پيښو د ډيروالي لامله پاکستاني حکومت پريکړه کړېده چې د پاکستان د مهاجرينو د قومي موومنټ مشر الطاف حسين

۷مخ

افزایش مهاجرت ها؛ اسباب و عوامل آن

هارون

حکومت وحدت ملی از نخستین روز ها فعالیت خویش، تمام تلاش های خود را روی عادی شدن روابط به کشور همسایهٔ جنوب و بازگشت ثبات سیاسی و امنیت در افغانستان معطوف نمود و از اولویت نخستین این حکومت برنامه و طرح های جدید اقتصادی نبوده است. این دولت در زمینهٔ امنیت و ثبات سیاسی دست آورد نداشته است. مردم هم از نظر اقتصادی و هم از منظر امنیتی در رنج اند و تا اکنون کدام دلگرمی چندانی برای جوانان و شهروندان کشور از سوی حکومت به وجود نیامده است. مهاجرینی که از سال ۲۰۰۱م بدینسو داخل افغانستان گردیده بودند، تعدادی نسبت نبود شرایط زنده گی و نا امنی، دوباره کشور را ترک نمودند. این ها مواردی است که یکنوع پراگنده گی ذهنی در میان مردم به وجود آورده و به طور سرسام آور جوانان کشور و خانواده ها تمام دار و مدار خویش را در خدمت فرار از وطن قرار می دهند.

برای جلوگیری از چنین ذهنیت های منفی باید اعتماد میان مردم و حکومت بر قرار گردد. طی ماه های اخیر تعدادی ماندن در افغانستان را بر فرار ترجیع دادند و بر میزان مهاجرت های غیر قانونی در کشور افزوده شده است. در حکومت وحدت ملی جوانان کشور به طور آشکار از حوزهٔ قدرت دولتی به دور انداخته شده اند و مردم عامهٔ جامعه از چرخه و گردونهٔ قدرت به دور نگه داشته شده اند.

امروز تقرری ها در برخی وزارتخانه ها رنگ قومی به خود گرفته است. در برخی از وزارتخانه ها تصفیهٔ قومی آغاز شده است، که هیچ وقت و در هیچ زمان یک چنین تقرری ها، آن هم تحت نام شفافیت صورت نگرفته است. عوامل زیادی دیگر در فرار مردم از کشور وجود دارد. در گام نخست آیندهٔ موهوم و غیر روشن تعدادی را به آن واداشته است که کشور را ترک کنند. رئیس جمهور ا، در مبارزات انتخاباتی خود بارها می گفت که وی برنامهٔ اقتصادی دارد و خواهد توانست در حدود یک میلیون کار تدارک ببیند.

امروز در افغانستان نه تنها یک میلیون کار ایجاد نگردید، بلکه یک میلیون انسان و چیزی کم و یا زیاد از کار های دولتی و شخصی محروم گردیدند. علت دیگر فرار جوانان از کشور، تبلیغات غرب، امریکا و کشور های دخیل در قضیهٔ افغانستان است. کشوری های که پس از سال ۲۰۰۱م در افغانستان حضور یافتند، امروز از آیندهٔ وخیم در افغانستان سخن می گویند و تعدادی که با آنها در افغانستان همکار نزدیک بودند، آنها را با خود به اروپا و امریکا بردند که این کار از آیندهٔ نا مطمئن افغانستان خبر می دهد و از جانب دیگر یکنوع روحیهٔ غلام منشی را در میان جوانان ترزیق می نماید، بی مورد نیست که هر روز رسانه های غرب از بدتر شدن اوضاع در افغانستان سخن می گوید.

از جانب دیگر برخی از کشور های اروپایی، به ویژه آلمان از پذیرفتن شهروندان سوریه و افغانستان به صفت مهاجر خبر داده است که این کار موجی از مسافرت ها را در میان جوانان به راه انداخته است. فرار و مهاجرت از افغانستان نه تنها اقتصادی است، بلکه سیاسی و روانی نیز می باشد.

امروز بسیاری از مردم به ویژه جوانان از بودن خود در این کشور نا امید گردیده اند؛ زیرا در برابر نیاز ها و تقاضای آنها یک دیوار آهنین کشیده شده است. امروز جوانان از محل کار و وزارتخانه ها به بیرون پرتاپ می شوند و هیچ گونه زمینهٔ مصروفیت و اشتغال برای آنها وجود ندارد، از سوی دیگر نا امنی های اخیر

ص۷

